



دانشگاه علامه طباطبائی  
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

## جایگاه رکن تصمیم‌گیری شرکتهای سرمایه در حقوق ایران و انگلیس

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد  
(در رشته حقوق خصوصی)

استاد راهنما: دکتر محمد رضا پاسبان  
استاد مشاور: دکتر غلام نبی فیضی چکاپ  
استاد داور: دکتر محمد صقری

نگارش: سید احمد موسوی

دی ۱۳۸۷

ای خدای پاک و بی انباز و یار  
دست گیر و جرم ما را در گذار  
گر خطا گفتیم، اصلاحش تو کن  
مصلحی تو، ای تو سلطان سخن  
کیما داری که تبدیلتش کنی  
گر چه جوی خون بود، نیلتش کنی<sup>۱</sup>

## سپاس نامه

دانش ارزنده ترین موهبت الهی است و زیباترین زینت انسانی است، که آراستن به آن مایه فخر است و رسیدن به آن اقتضای طبع، و بدون تردید هادیان دانش و پیشوایان علوم، که خود بر ستیغ قله دانش تکیه زده و امکان دست یازیدن به گوهر دانش را از دیگران دریغ نداشته و پیوسته در هدایت دانشجویان کوشیده اند، شایسته ستایش هستند.

نویسنده بر خود فرض می داند مراتب سپاس و امتنان تامه خویش را از جناب آقای دکتر محمد رضا پاسبان استاد راهنمای پایانامه که مراجعات مکرر نگارند وی را به ستوه درنیارود و مشفقانه از دریای علوم و فضایل خویش بهره مند نموده را اعلام نماید.

همچنین از جناب آقای دکتر غلام نبی فیضی به پاس قبول مشاورت پایانامه و از آقای دکتر محمد صقری که با قبول داوری پایانامه و همکاری صمیمانه نگارنده را مورد لطف قرار داده اند تقدیر و تشکر به عمل می آید.

همچنین علی رغم اینکه آقای دکتر کورش کویانی، در نگارش پایانامه دارای سمتی نبوده اند ولی نگارنده پیوسته در طول نگارش پایانامه از ارشادات ایشان بهره مند شده، تقدیر و تشکر به عمل می آید.

همچنین از زحمات دوسنانی (به شرح ذیل) که در کلیه مراحل نگارش پایانامه و ویرایش آن مرا یاری رسانده اند تقدیر و تشکر به عمل می آید.

مهندس جواد شجاع، (به جهت طراحی صفحات)، دکتر هادی خدابخشی، دکتر امیر افسر، دکتر حسن فرامرزی پلنگر، احمد محمودی، سهیل نظری، محسن اکبر پور، حسین مرادی، سید مهدی شیخ الاسلامی، اصغر رشودی.

همچنین شایسته است از مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس اوراق بهادار جناب آقای دکتر سعیدی و همکاران ایشان به خصوص، سرکار خانم ابراهیمی و سرکار خانم ستاری به پاس حمایت مادی و معنوی از پایانامه تقدیر و تشکر بعمل می آید.

## فهرست اجمالی مطالب

أ	فهرست اجمالی مطالب
ج	مقدمه
۸	بخش نخست: آشنایی با شرکت، اقسام و ارکان آن
۱	فصل نخست: مفهوم شرکت و اقسام آن در حقوق ایران
۱	مبحث نخست: مفهوم شرکت در حقوق ایران
۵	مبحث دوم: اقسام شرکت های تجاری در حقوق ایران
۸	مبحث سوم: مصادیق شرکت های سرمایه
۱۳	فصل دوم: مفهوم و اقسام شرکت در حقوق انگلستان
۱۳	مبحث نخست: مفهوم شرکت در حقوق انگلستان
۱۳	مبحث دوم: اقسام شرکت در حقوق انگلستان
۱۵	مبحث سوم: مصادیق شرکت های سرمایه در حقوق انگلستان
۱۶	فصل سوم: ارکان شرکت های سرمایه در حقوق ایران
۱۶	مبحث نخست: رکن اداره
۱۹	مبحث دوم: رکن بازرسی
۲۴	مبحث سوم: رکن تصمیم گیری
۳۵	فصل چهارم: ارکان شرکت های سرمایه در حقوق انگلستان
۳۵	مبحث اول: رکن اداره
۳۶	مبحث دوم: رکن بازرسی
۴۰	مبحث سوم: رکن تصمیم گیری
۴۰	نتیجه بخش نخست
۴۲	بخش دوم: نقش مجامع عمومی در تصمیم گیری و مقررات حاکم بر آنها
۴۳	فصل نخست: مجامع عمومی شرکت های سهامی در حقوق ایران
۴۴	مبحث نخست: مقررات مشترک مجامع عمومی شرکت های سهامی
۶۰	مبحث دوم: مقررات خاص مجامع عمومی
۱۰۳	فصل دوم: مجامع عمومی شرکت های با مسوولیت محدود در حقوق ایران
۱۰۵	مبحث نخست: مقررات مشترک مجامع عمومی شرکت های با مسوولیت محدود

۱۰۷	.....	مبحث دوم: حد نصاب ها و صلاحیت هر یک از مجامع عمومی شرکت های با مسوولیت محدود
۱۱۲	.....	فصل سوم: مقررات مجامع عمومی شرکت ها در حقوق انگلستان
۱۱۲	.....	مبحث نخست: مجامع عمومی شرکت های انگلستان
۱۱۴	.....	مبحث دوم: تشریفات دعوت، تشکیل و اداره مجامع عمومی
۱۲۲	.....	مبحث سوم: مصوبات مجامع عمومی
۱۲۵	.....	نتیجه بخش دوم
۱۲۷	.....	<b>بخش سوم: رابطه رکن تصمیم گیری شرکت های سرمایه با سایر ارکان شرکت</b>
۱۲۸	.....	فصل نخست: رابطه بین ارکان تصمیم گیری و اداره در حقوق ایران
۱۲۸	.....	مبحث نخست: اراده شرکت های سرمایه
۱۳۰	.....	مبحث دوم: رابطه ارکان شرکت های سرمایه در حقوق ایران
۱۳۱	.....	مبحث سوم: نهادهای تصمیم گیری و اداره شرکت
۱۳۹	.....	مبحث چهارم: آیین مطلوب روابط
۱۵۰	.....	فصل دوم: رابطه بین رکن تصمیم گیری و مدیران شرکت های سرمایه در حقوق انگلستان
۱۵۰	.....	مبحث اول: اراده شرکت های تجارتي و مجاری جریان آن
۱۹۸۵	.....	مبحث دوم: رابطه مجامع عمومی و مدیران شرکت های سرمایه در حقوق انگلستان قبل از تصویب قانون شرکت های ۱۹۸۵
۱۵۱	.....	.....
۱۹۸۵	.....	مبحث سوم: رابطه مجامع عمومی و مدیران شرکت های سرمایه در حقوق انگلستان بعد از تصویب قانون شرکت های ۱۹۸۵
۱۵۵	.....	.....
۱۵۸	.....	مبحث چهارم: مصادیق حاکمیت مجامع عمومی بر مدیران
۱۶۱	.....	نتیجه
۱۶۳	.....	<b>نتیجه گیری و پیشنهادها</b>
۱۶۳	.....	نتیجه گیری
۱۶۷	.....	پیشنهادها
۱۶۹	.....	<b>فهرست تفصیلی مطالب</b>
۱۷۶	.....	<b>فهرست منابع</b>

تجارت به عنوان ابزاری، برای بر آورده ساختن نیازهای جوامع به مبادله کالاها، همواره مورد توجه جدی قرار گرفته و گذشت زمان بر اهمیت آن افزوده است. در امر تجارت نیز انسانها به همان دلایلی که به زندگانی اجتماعی متمایل بوده اند، به مشارکت با دیگران نیز گرایش نشان داده اند. بنابراین مشارکت و تجارت از دیر باز به هم در آمیخته، بطوری که در قانون حمورابی که مربوط به ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد می باشد در مورد عقد شرکت گفتگو شده است، و حتی نشانه هایی از شرکت در هفت قرن قبل از میلاد نیز یافته شده است.<sup>۱</sup>

مشارکت نیز مانند سایر نهادهای اجتماعی همواره در تکامل بوده و مسیر یکنواختی را سپری ننموده است. در روزگاران قدیم اشخاص به شکل ساده و در قالب عقود معین مال و کار را به هم می آمیختند و از فواید مشارکت بهره مند می شدند، ولی بدون شک بعد از رنسانس که پیشرفت علوم، صنایع و کشاورزی شتاب بیشتری گرفت،<sup>۲</sup> مشارکت نیز دچار تحولات شگرفی شد. از این دوران به بعد که به اقتضای تحولات اقتصادی و صنعتی، شرکتهای تجارتي بزرگ شروع به فعالیت نمودند،<sup>۳</sup> شرکتهایی که مانند اشخاص حقیقی مجهز به شخصیت حقوقی شده بودند و به جهت ویژگیهای متعددی نظیر عمر نامحدود، داشتن سرمایه فراوان، مسوولیت محدود شرکاء در مقابل اشخاص ثالث و تعدد دارایی تجار با تمسک به شخصیت حقوقی، مورد استقبال فعالان اقتصادی کلیه جوامع قرار گرفتند. و بدین ترتیب شرکت ها به عنوان ابزار کار آمدی امکان توسعه اقتصادی، صنعتی، کشاورزی، خدماتی و ... جوامع را فراهم ساختند، بطوری که به عقیده یکی از نویسندگان، شناسایی و بکار گیری مسوولیت محدود ناشی از شخصیت حقوقی بزرگترین و تنها ترین کشف بزرگ عصر مدرن به شمار می رود و حتی نیروی الکتریسته و نیروی بخار اهمیت شان کمتر از شرکت با مسوولیت محدود<sup>۴</sup> می

<sup>۱</sup> - کریم، کیایی، **حقوق بازرگانی**، (تهران، چاپ سوم، خرداد ۱۳۵۴)، ص ۲۵

<sup>۲</sup> - شرکت های تجارتي در ابتدا در تجارت و در حمل و نقل دریایی مورد استفاده قرار گرفت و در گام بعدی این شرکت ها در قرن ۱۶ در ارتباط با بهره برداری از مستعمرات کشورهای اروپایی استعمال می گردیده است. حسین، خزاعی، **حقوق تجارت شرکت های تجارتي**، (انتشارات قانون، تهران، مرداد ۲، ۸۵، ج ۱) ص ۲۹

<sup>۳</sup> - البته واضح است که شرکت های تجارتي در قرون وسطی نیز جهت ایجاد تعدد سرمایه، در اروپا مورد استفاده بوده است ولی بعد از رنسانس از نظر کمی و کیفی رشد شتابانی گرفت.

<sup>۴</sup> - منظور هر نوع است شرکتی است که مسوولیت شرکاء در آن محدود بوده، و امکان ایجاد تعدد مالکیت در آن فراهم باشد، نه شرکت با مسوولیت محدود به معنی اخص، موجود در حقوق ایران.

باشد.<sup>۵</sup> امروزه شرکت‌ها پایه فعالیت‌های اقتصادی بوده و بیش‌ترین میزان تولید ثروت و درآمد، ایجاد اشتغال و جذب سرمایه در آن‌ها رخ می‌دهد و در نتیجه مهم‌ترین عنصر در اقتصاد امروز محسوب می‌شوند. بطوری که امروزه در کلیه مراحل مربوط به تهیه مواد اولیه، تولید کالاها و خدمات، توزیع آنها، حمل و نقل، ... در کنار اشخاص حقیقی به ایفای نقش می‌پردازند. از نظر کمیت و کیفیت، شرکت‌های تجاری با میزان توسعه یافته‌گی جوامع ارتباط مستقیمی دارند بطوری که امروزه بزرگترین و بیشترین شرکت‌های تجاری در پیشرفته‌ترین کشورهای دنیا قرار دارند. با افزایش موضوعات به تبع آن، حقوق ناظر به این اشخاص نیز در مسیر تحول و رشد قرار گرفت، و شاخه‌ای از حقوق تحت عنوان حقوق شرکت‌ها را به خود اختصاص داد، که پیوسته در تکامل بوده است. به جهت اهمیت زیاد این اشخاص بررسی حقوق این شرکت‌ها از زوایای متعددی مورد توجه قرار گرفته است و امروزه در کشورهای پیشرفته حقوق مستقلی، حقوق شرکت‌ها، مطالعه، و قوانین مستقلی، قانون شرکت‌ها، مورد تصویب قرار گرفته است.

نخستین قانون تجارت در ایران به تبعیت از قانون تجارت فرانسه در سالهای ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ شمسی در ۳۸۷ ماده به تصویب رسیده است. در آن قانون، چهار نوع شرکت پیش‌بینی گردیده بود، در سال ۱۳۱۱ قانون تجارت فعلی با نسخ قانون سابق، در ۶۰۰ ماده به تصویب رسید، که بر اساس ماده ۲۰ قانون حاضر، شرکت‌های تجاری بر هفت قسم است که عبارتند از:

شرکت سهامی ۲- شرکت با مسوولیت محدود ۳- شرکت تضامنی ۴- شرکت مختلط غیر سهامی ۵- شرکت مختلط سهامی ۶- شرکت نسبی ۷- شرکت تعاونی تولید و مصرف.

لازم به ذکر است، مواد ۲۱ تا ۹۳ قانون ۱۳۱۱ مربوط به شرکت‌های سهامی، با تصویب لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ مشتمل بر ۳۰۰ ماده و ۲۸ تبصره در مورد شرکت‌های سهامی نسخ شده است و در حال حاضر، تشکیل، اداره، انحلال و تصفیه شرکت‌های سهامی عام و خاص مشمول لایحه قانونی مذکور و ثبت و ورشکستگی آن به ترتیب مشمول مواد ۱۹۵ تا ۲۰۱ و ۴۱۲ تا ۵۷۵ قانون تجارت ۱۳۱۱ است، همچنین مواد ۵۸۳ تا ۵۹۱ آن قانون، راجع به شخصیت حقوقی، بر شرکت‌های سهامی عام و خاص حاکم است.

در مورد شرکت‌های تعاونی هم در حال حاضر قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰ با نسخ قانون شرکت‌های تعاونی ۱۳۳۵ حکومت دارد.

<sup>5</sup> - Professor N.M. Butler, President OF Columbia University ( quoted by Dine, Janet, *Company Law*, Macmillan, London, 1994, p.1)

در سال ۱۳۸۴ با هدف تغییر و قانون تجارت لایحه اصلاح قانون تجارت تهیه و جهت تصویب تقدیم مجلس شورای اسلامی گردید است. البته این موارد صرفاً قوانینی هستند که مستقیماً در موضوع شرکت ها به تصویب رسیده و الا در قوانین بسیاری، راجع به موضوع شرکت ها احکامی به تصویب رسیده است.

با تصویب قوانین مذکور نویسندگان مختلف نیز با شرح و بسط مواد قانونی مربوط به شرکت ها در قالب حقوق تجارت و پرداختن به حقوق کشورهای اروپایی سعی در تفسیر موارد اجمال و ابهام مواد قانونی نموده اند و حقوق شرکت های تجاری در ایران شکل گرفت. اما با تدقیق در کتاب هایی که نویسندگان سابق به رشته تحریر در آورده اند متوجه می شویم که حقوق شرکت ها تا دهه اخیر محدود به حقوق «آنچه هست» می باشد تا حقوق «آنچه باید باشد»، اما به نظر می رسد حقوق شرکت ها تجاری در ده ساله اخیر تحولات مثبت زیادی را پشت سر گذاشته است. در گذشته اگر حقوق شرکت ها به عنوان بخشی از حقوق تجارت و در قالب کتابهای حقوق تجارت مورد بررسی قرار می گرفت، و از طرفی اگر در گذشته صرفاً به تفسیر مواد قانونی مربوط به شرکت های تجاری بسنده می شد، ولی در تحولات اخیر این رشته از حقوق در ایران اولاً: کتاب ها بصورت مستقل و در قالب حقوق شرکت ها و ثانیاً: مطالب مربوطه بصورت تحلیلی ارائه می شود تا تفسیر مواد قانونی. بطوری که امروز حقوق شرکت های تجاری از حالت شکلی به حالت ماهوی رسیده است، و این شاخه از حقوق در مسیری قرار گرفته است که در پی تحول و ایجاد اصلاحات در این شاخه از حقوق می باشد، و شاید بتوان ادعا کرد تهیه قانون اصلاح قانون تجارت، نتیجه این تحول می باشد.

به جرأت می توان ادعا نمود اساسی ترین بحث مربوط به حقوق شرکت ها، ناظر به چگونگی اداره آن به معنی عام می باشد. که در آن کلیه ارکان شرکت به ایفای نقش می پردازند. و در موضوع اداره شرکت نیز تصمیم گیری از جایگاه رفیعی برخوردار می باشد. زیرا گذشته از اینکه تصمیم گیری به عنوان مهم ترین رکن از ارکان شرکت در کنار سایر ارکان شرکت به ایفای نقش می پردازد، به عنوان یکی از عناصر رکن اداره نیز محسوب می شود، بنابراین شناسایی رکن تصمیم گیری مستلزم شناسایی کلیه ارکان و نهادهایی است که در امر

---

<sup>۶</sup> - برای مثال مراجعه شود به

محمد، عیسی تفرشی، *مباحث تحلیلی از حقوق شرکت های تجاری*، (انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، تهران، چاپ نخست، ۱۳۷۸، ج ۱ و ۲)

محمد رضا، پاسبان، *حقوق شرکت های تجاری*، (انتشارات سمت، چاپ نخست، ۱۳۸۵)

کوروش، کاویانی، *حقوق شرکت های تجاری*، (انتشارات میزان، چاپ ۱۳۸۶)



تصمیم‌گیری دخالت دارند می‌باشد، تا جایگاه رکن تصمیم‌گیری در نظام تصمیم‌گیری و اداره شرکت روشن شود. و از طرفی سایر ارکان شرکت نیز بر آمده از رکن تصمیم‌گیری شرکت می‌باشند.

در این پایان‌نامه که با عنوان جایگاه رکن تصمیم‌گیری شرکت‌های سرمایه‌دار در حقوق ایران و انگلستان نگارش یافته است، نویسنده در چارچوب تحولات صورت گرفته سعی کرده ضمن شناسایی رکن تصمیم‌گیری و مقررات ناظر به آن در شرکت‌های سرمایه‌دار به رابطه آن با سایر ارکان شرکت به خصوص با رکن اداره نیز پرداخت نماید، زیرا این رکن نیز در مقام اعمال مدیریت به معنی خاص در شرکت ناگزیر از تصمیم‌گیری می‌باشد، تا مشخص گردد در اداره شرکت به معنی عام و اعمال اهلیت استیفای شرکت چه نقشی به رکن تصمیم‌گیری اختصاص می‌یابد. امری که با وجود اهمیت شایان آن از حلاء جدی قانونگذاری رنج می‌برد و حتی بیشتر نویسندگان نیز رغبتی به پرداختن به آن نشان نداده‌اند.

پایان‌نامه در سه بخش به ترتیب تعریف، اقسام، ارکان شرکت‌ها، مقررات مشترک و اختصاصی مجامع عمومی و رابطه رکن تصمیم‌گیری و اداره را مورد بررسی قرار داده و در نهایت سعی می‌نماید جایگاه رکن تصمیم‌گیری را در اعمال اراده و اداره شرکت به معنی عام روشن نماید.

همچنین برای بررسی رکن تصمیم‌گیری، شرکت‌های سرمایه‌دار انتخاب گردیده، زیرا گذشته از آنکه ارکان این نوع از شرکت‌ها در مقایسه با سایر شرکت‌ها از تکامل قابل ملاحظه‌ای برخوردار است، امروزه بیشترین گردش ثروت در قالب این نوع از شرکت‌ها صورت می‌گیرد و هر روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود، بطوری که امروزه موضوع فعالیت کلیه بورس‌های جهان این نوع از شرکت‌ها می‌باشد. البته فقط شرکت‌های سهامی عام، که بارزترین نوع این شرکت‌ها می‌باشد، در قالب بورس اوراق بهادار فعالیت دارند، که در این تحقیق نیز پایه بحث‌های صورت گرفته این نوع از شرکت‌ها می‌باشد.

در ارتباط با صرف مقررات حاکم بر مجامع عمومی آن هم شرکت‌های سهامی علاوه بر کتابهای حقوق شرکت‌ها کتاب<sup>۷</sup> و پایان‌نامه‌های<sup>۸</sup> مستقلی نیز نگارش یافته است، ولی علاوه بر آنکه به رابطه آن با سایر ارکان شرکت توجه نشده و در نتیجه جایگاه رکن تصمیم‌گیری در شرکت تبیین نشده، بحث‌های مبنایی و تحلیلی نیز کمتر به چشم می‌خورد، و از طرفی فقط ناظر به شرکت‌های سهامی می‌باشند.

<sup>۷</sup>- علی، دانشجو، *مجامع عمومی شرکت‌های سهامی در حقوق ایران*، انتشارات آریابان و اخوان، چاپ نخست، اسفند ۱۳۷۸

<sup>۸</sup>- ابوالفضل، همدی خطبه سرا، *مجامع عمومی شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و انگلیس*، دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۷۸ و فاروق، فیضی ایلخچی، *مجامع عمومی شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و انگلیس*، ۱۳۷۶، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز،

با توجه به اینکه پایان نامه عنوانی تطبیقی با حقوق انگلستان دارد سعی گردیده تا هم گام با بحث های حقوق ایران، حقوق انگلستان نیز بصورت مستقل مورد بررسی قرار گیرد، و در این جهت قوانین مربوط به شرکت ها در انگلستان و کتب و مقالات مربوط به حقوق این کشور تا حد امکان مطالعه و با حقوق ایران تطبیق داده شود. اگرچه به جهت سیستم های متفاوت حقوقی بین دو کشور ایران و انگلستان، بررسی تطبیقی این دو نظام تا حدودی عجیب به نظر می رسد، ولی به جهت پیشرفت سریع حقوق شرکت های کامن لا به تبع توسعه اقتصادی کشورهای عضو این نظام و ویژگی هایی نظیر تلاش جهت اداره آسان شرکت و پر رنگ بودن نقش اراده در اداره آن و پویایی این حقوق اقدام را توجیه پذیر می نماید. از سویی دیگر در لایحه قانون تجارت ۱۳۸۴، که مراحل تقنینی خویش را در مجلس شورای اسلامی سپری می کند، نیز رویکرد مقررات مربوط به شرکت های تجارتي، حقوق کامن لا بوده است، به نظر می رسد، بررسی حقوق این کشور در پایان نامه حاضر که بررسی مقررات مربوط به این لایحه نیز مد نظر می باشد سود مند باشد. همچنین با توجه به عدم تطبیق کامل حقوق شرکت های انگلیس با حقوق شرکت های ایران و فراهم نمودن امکان استفاده بیشتر خوانندگان و علی رغم سختی این روش، مباحث مربوط به حقوق انگلستان بصورت مستقل آورده شده است، ولی علاوه بر متن، در پایان هر بخش نیز حقوق دو کشور تا حد امکان تطبیق داده شده است.

پر واضح است که عدم تطابق نظام های حقوقی دو کشور و مبتنی بودن بخشی از نظام حقوقی انگلستان بر رویه قضایی، و تاثیر نظام حقوقی این کشور در بخش هایی از حقوق اتحادیه اروپایی و مشکلات ناشی از عدم دسترسی به منابع کافی و مشکل ترجمه متون و آراء قضایی همواره نویسنده را در طول تحقیق آزار داده است.

## بخش نخست: آشنایی با شرکت، اقسام و ارکان آن

- ❖ فصل نخست: مفهوم شرکت و اقسام آن در حقوق ایران
- ❖ فصل دوم: مفهوم شرکت و اقسام آن در حقوق انگلستان
- ❖ فصل سوم: ارکان شرکت های سرمایه در حقوق ایران
- ❖ فصل چهارم: ارکان شرکت های سرمایه در حقوق انگلستان

## فصل نخست: مفهوم شرکت و اقسام آن در حقوق ایران

### مبحث نخست: مفهوم شرکت در حقوق ایران

کلمه شرکت در حقوق ایران در بر گیرنده مفهوم بسیار وسیعی است؛ بطوری که این کلمه با معانی متعدد در شاخه های مختلف علم حقوق، کاربردهای متنوعی یافته است و شرکت در معنای وسیع خود در بسیاری از روابط اجتماعی جلوه های گوناگونی یافته است.

شرکت در حیطه حقوق خصوصی، بخصوص حقوق مدنی، از دیرباز بحثهای فراوانی را در کتابهای فقهی و حقوقی، به خود اختصاص داده؛ اما دامنه شرکت در حقوق خصوصی، محدود به حقوق مدنی نمانده است چنانکه، با توسعه تجارت و گسترش حقوق تجارت، شرکت و احکام راجع به آن یکی از مباحث اصلی حقوق تجارت را تشکیل داده است و امروزه استعمال مطلق کلمه شرکت، شرکت های تجاری را به ذهن متبادر می سازد.

به جهت تفاوت های زیادی که میان شرکت مورد نظر حقوق مدنی و حقوق تجارت وجود دارد از بدو ورود مفهوم شرکت های تجاری به حقوق ایران، شرکت، وصف مدنی و تجاری یافته است. البته در تفکیک شرکت های مدنی از تجاری در حقوق ایران پذیرش ثنویت حقوق مدنی و حقوق تجارت نیز موثر بوده است، البته در اینکه بین حقوق مدنی و حقوق تجارت ایران وحدت وجود دارد یا خیر، اختلاف نظر وجود دارد.<sup>۱</sup> ولی در حقوق انگلیس در قرن ۱۸ قاضی معروف انگلیسی، معروف به بلک استون<sup>۲</sup>، مقررات تجار را جزء کامن لا نمود و با این اقدام حقوق بازرگانی و مدنی در انگلستان به وحدت رسید.<sup>۳</sup>

تفاوت های این دو نوع از شرکت الهام بخش این باور نیست که هدف شرکت های مدنی، تجارت و سود آوری نمی تواند باشد.<sup>۴</sup> بنابراین شرکت در حیطه هر کدام از حقوق مدنی و تجارت مستقلاً مورد بحث قرار می گیرد.

### گفتار نخست: شرکت های مدنی در حقوق ایران

ماده ۵۷۱ قانون مدنی شرکت را چنین تعریف می کند:

«شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه»

<sup>۱</sup> - کریم، کیایی، **حقوق بازرگانی**، (تهران، چاپ سوم، خرداد ۱۳۵۴) ص ۴

<sup>۲</sup> - Black Stone

<sup>۳</sup> - همان، ص ۳۰ و سیلی ال.اس.، «**حقوق شرکت های انگلستان**»، عبدالرسول قدک، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۰، مهر ۱۳۷۷، ص

<sup>۴</sup> - کورش، کاویانی، پیشین، ص ۱۳

منشاء و سببی که موجب پیدایش این ماهیت حقوقی می شود از دو حال خارج نیست یا قهری است، که به سبب ارث و یا امتزاج قهری موجب اختلاط حقوق مالکیت حداقل دو شخص می شود و یا ارادی است، که گاه به واسطه عمل شرکاء و گاه در نتیجه یکی از عقود، موجب اتحاد حقوق مالکیت فردی می شود، در نتیجه این اراده، مالکیت شخصی محو و حالت اشاعه در اموال خلق می شود. عقودی معینی که باعث ایجاد حالت اشاعه می شوند عبارتند از؛ مضاربه، مزارعه، مساقات و شرکت به معنای خاص. شرکت در معنای خاص، در شمار عقود معین قرار دارد که مواد ۵۷۱ تا ۶۰۶ احکام مربوط به آن را مورد بحث قرار داده است. بطور مرسوم، هرگاه در حقوق مدنی نامی از شرکت برده می شود، مقصود همین معنا است.<sup>۱</sup>

ولی تعریفی که ماده ۵۷۱ از شرکت بعمل آورده است، عام بوده و شامل کلیه اشکال شرکت می شود و تنها عقد شرکت به معنی خاص را شامل نمی شود.

چنانکه ملاحظه می شود فارغ از اینکه شرکت بر اساس کدامیک از اسباب خلق شود، موجب ایجاد حالت اشاعه در مالکیت شرکاء می شود، یعنی هر شریک، در جزء جزء مال مشترک نسبت به سهم خویش شریک می شود و ذره ای از مال مشاع را نمی توان یافت که یکی از شرکاء در آن سهمی نداشته باشد. ولی هیچ یک از اقسام شرکت های مدنی دارای شخصیت حقوقی نبوده و حق مالکیت هیچ شریکی با وارد شدن به شرکت اصالت خویش را از دست نمی دهد. همچنین این شرکت ها قالب مخصوصی ندارند و تشکیل آنها مستلزم تشریفات نیست.

در این نوع از شرکت، چون شرکت دارای شخصیت حقوقی نیست و ارکان خاص تصمیم گیری در آن پیش بینی نشده است، امر تصمیم گیری و اداره، بر عهده کلیه شرکاء یا نمایندگان قانونی آنها است و نمی توان عقیده اکثریت را به عنوان نظر شرکت، بر اقلیت تحمیل کرد و هیچ یک از شرکاء بدون اذن یا اجازه دیگر شرکاء حق تصمیم گیری در امور مربوط به مال مشترک را ندارند و اگر چنین تصمیمی اتخاذ شود، غیر نافذ بوده و مستلزم تنفیذ شریک ذینفع است. به باور یکی از حقوقدانان «این نقص بزرگی است که اموال مشاع را خراب و امر اداره آن را مختل می سازد.»<sup>۲</sup> البته هر چند قانون مدنی برای اداره و تصمیم گیری شرکت های

۱- ناصر، کاتوزیان، حقوق مدنی عقود معین مشارکتها- صلح، (انتشارات کتابخانه گنج دانش، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۸، ج ۴، ج ۲)

ص ۶

۲- همان، ص ۴۱

مدنی تشکیلات خاصی را پیش بینی نکرده است ولی قرارداد خصوصی می تواند جایگزین قانون شود و این نقص را جبران نماید.<sup>۱</sup>

## گفتار دوم: شرکت های تجاری در حقوق ایران<sup>۲</sup>

بر خلاف شرکت های مدنی که منبعث از فقه بوده و سابقه طولانی در حقوق ایران دارد، شرکت های تجاری، زاده نیازهای تجاری جدید و نتیجه تکامل حقوق، در کشورهای غربی است، که به تدریج به سایر کشورها راه یافته است.

شرکت های تجاری ایران به عنوان بخشی از قانون تجارت از قانون تجارت فرانسه اقتباس شده و به تعبیر یکی از نویسندگان درک شرکت های تجاری در حقوق ایران بدون توجه به حقوق فرانسه ممکن نیست. ماده ۲۰ قانون تجارت ایران به تبعیت از قانون تجارت فرانسه از شرکت تجاری تعریفی ارائه نمی کند و صرفاً به شمارش انواع شرکت های تجاری بسنده می کند و تعریف ارائه شده در قانون مدنی نیز به جهت بیگانگی آن با مفهوم شرکت تجاری مقبول نیست.

البته قانونگذار فرانسه چون در ماده ۱۸۳۲ شرکت را در مفهوم عام آن تعریف نموده است، بنابراین در قانون تجارت از شرکت تعریفی ارائه ننموده است. ماده ۱۸۳۲ قانون مدنی فرانسه شرکت را عقدی دانسته بود که به موجب آن دو یا چند شخص توافق می کنند چیزی را به قصد تقسیم منافع به مشارکت بگذارند.<sup>۳</sup> تعریف حقوق فرانسه از شرکت در قانون ۱۹۸۵ تغییر کرده و از نظریه قراردادی بودن به نظریه سازمان بودن شرکت متمایل گردید است.<sup>۴</sup>

حقوقدانان در جهت پر کردن خلاء ناشی از عدم تعریف قانونی از شرکت تجاری، تلاشهای زیادی به عمل آورده و تعاریفی را هم در این مقام ابراز نموده اند؛ چنانکه یکی از نویسندگان<sup>۵</sup> ضمن نقد بعضی از تعاریف ارائه شده توسط حقوقدانان و تلاش جهت رفع اشکالات وارده بر آنها، شرکت تجاری را چنین تعریف می نماید: «رابطه یا نهاد برآمده از توافق میان دو یا چند شخص که با اختصاص بخشی از دارایی خود به

۱- همان ۴۱

۲- عنوان «شرکت تجاری» معادل «company» در انگلستان و «societe» در حقوق فرانسه است، که از حقوق کشورهای اروپایی اخذ و وارد ادبیات حقوقی ایران شده است

۳- کریم، کیایی، پیشین، ص ۱۰۷

۴- حسین، خزاعی، حقوق تجارت شرکت های تجاری، (انتشارات قانون، تهران، مرداد ۸۵، ج ۲، ج ۱)، ص ۲۲

۵- محمد رضا، پاسبان، پیشین، ص ۵۸

منظوری خاص، تحت عنوان شخصیت حقوقی مستقل به قصد تحصیل سود تشکیل می گردد» این تعریف نسبت به سایر تعاریف ارائه شده بیشتر قابل قبول به نظر می رسد، علاوه بر آن نسبت به تعاریف سایر نویسندگان،<sup>۱</sup> اشاره صریحی به ایجاد شخصیت حقوقی در نتیجه تشکیل شرکت دارد. چرا که به نظر می رسد، این ویژگی، مهمترین عامل تفریق شرکت های مدنی از تجارتي در حقوق ایران است، که خود منشاء سایر تفاوتها میان این دو نوع از شرکت می گردد؛ بطوری که یکی از نویسندگان حقوق شرکت ها، شرکت تجارتي را شکل تحول یافته شرکت مدنی دانسته که وجه بارز این تحول ایجاد شخصیت حقوقی جدید در نتیجه عقد شرکت است.<sup>۲</sup> از جمله اختلاف ناظر به تصمیم گیری میان شرکت های مدنی و تجارتي، معلول وجود شخصیت حقوقی در شرکت های تجارتي است. انتقاد متصور به این تعریف آن است که در نهایت مشخص نمی شود شرکت، رابطه است و یا نهاد، و یا در چه شرکت ها و یا در چه قسمتی نهاد و در چه شرکت ها و یا در چه قسمتی رابطه است. در لایحه قانون تجارت ۱۳۸۴ نیز تعریفی از شرکت به عمل نیامده است و صرفاً در ماده ۴۲۷ به عنوان نخستین ماده مربوط به شرکت های تجارتي تصریح گردیده است که «شرکت های تجارتي مذکور در این قانون دارای شخصیت حقوقی هستند»

به عقیده بعضی از نویسندگان در قوانین ایران ملاک تمیز شرکت های مدنی از تجارتي پیش بینی نشده است و لازم است با مراجعه به مواد ۲۰۱ و ۲۰۲ قانون تجارت و با استفاده از ملاک تشخیص تاجر از غیر تاجر اقدام نمود. بر این اساس شرکتي تجارتي خواهد بود که شغل معمولی خود را اعمال بازرگانی قرار دهد، به باور این نویسنده، شرکتي که بر اساس اساسنامه یا قرارداد شرکت به اموری می پردازد که وصف تجارتي دارد، شرکت تجارتي خواهد بود، خواه به ثبت رسیده باشد خواه، در عمل به کارهای تجارتي بپردازد، بر عکس شرکتي که موضوع فعالیت خود را اعمال مدنی قرار دهد، وصف مدنی خواهد داشت. بنابراین اصولاً وصف تجارتي شرکت، ناشی از موضوع و هدف آنها است.<sup>۳</sup> البته قانونگذار گاه شکل شرکت را مبنای تمیز وصف تجارتي از

---

<sup>۱</sup> - محمد، عیسی تفرشی، مجموعه مقالات حقوقی «معرفی شرکت تجارتي»، (انتشارات کانون وکلاء مرکز، تهران، ۱۳۷۹) و ربیعا، اسکینی، حقوق تجارت شرکت های تجارتي، (انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۹، ج ۲، ج ۱)، ص ۱۷ و حسن، ستوده تهرانی، حقوق تجارت، (انتشارات نشر دادگستر، تهران، چاپ نهم، زمستان ۱۳۸۳، ج ۲، ج ۱) ص ۱۹۳

<sup>۲</sup> - کورش، کاویانی، پیشین، ص ۱۴

<sup>۳</sup> - در فرانسه هم ابتدا موضوع و هدف شرکت معیار بوده ولی بعد قانونگذار در قانون ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۶ علاوه بر موضوع شکل را در تمیز وصف تجارتي اضافه نمود.

ناصر، کاتوزیان، پیشین، ص ۲۵

مدنی قرار می دهد، مانند ماده ۵ قانون تملک آپارتمانها مصوب ۱۳۴۳ و ماده ۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷.<sup>۱</sup>

همچنان که در مقدمه بیان گردید در حال حاضر بر اساس ماده ۲۰ قانون قانون تجارت، شرکت های تجاری بر هفت قسم است که عبارتند از:

شرکت سهامی ۲- شرکت با مسوولیت محدود ۳- شرکت تضامنی ۴- شرکت مختلط غیر سهامی ۵- شرکت مختلط سهامی ۶- شرکت نسبی ۷- شرکت تعاونی تولید و مصرف.

ولی شرکت های با مسوولیت محدود، سهامی (عام و خاص)، تعاونی و تضامنی به ترتیب از استقبال بیشتری برخوردار بوده و سایر شرکت های تجاری با وجود آنکه در قانون مقررات مربوط به آنها پیش بینی شده است، در عمل مورد استفاده قرار نمی گیرند.<sup>۲</sup> با توجه به فراوانی شرکت های تجاری در هر یک از قالبهای پیش بینی شده در قانون تجارت، متوجه می شویم که، امروزه در حقوق ایران همگام با حقوق سایر کشورها، توجه به سرمایه و به تبع آن شرکت های سرمایه، بیش از شخصیت و شرکت های اشخاص است، و توجه به چنین واقعیتی، موجب شده تا در لایحه قانون تجارت ۱۳۸۴، فقط چهار نوع شرکت سهامی، با مسوولیت محدود، تضامنی و تعاونی پیش بینی شود.<sup>۳</sup>

#### مبحث دوم: اقسام شرکت های تجاری در حقوق ایران

شرکت ها مانند سایر نهادهای حقوقی جهت سهولت در مطالعه به اشکال مختلفی طبقه بندی می شوند. مهمترین تقسیم بندی ناظر بر شرکت های تجاری در حقوق ایران بر اساس مسوولیت شرکاء در مقابل طلبکاران و چگونگی انتقال سهم الشرکه و یا سهام توسط شرکاء و سهامداران آن است. در این راستا شرکت های تجاری به سه دسته تقسیم می شوند:

شرکت های اشخاص

شرکت های سرمایه

شرکت های مختلط

<sup>۱</sup>- همان، صص ۲۵ و ۲۶

<sup>۲</sup>- محمد رضا، پاسبان، پیشین، ص ۱۰۷

<sup>۳</sup>- ماده ۴۳۸ لایحه قانون تجارت ۱۳۸۴



### گفتار نخست: شرکت های اشخاص

شرکت های اشخاص که در گذشته بیشتر رواج داشته و امروزه از دامنه اهمیت آن کاسته شده است،<sup>۱</sup> در حقوق ایران منحصر به شرکت های تضامنی و نسبی است. در این نوع از شرکت ها، اصالت با شخصیت شرکاء است نه سرمایه شرکت و مسوولیت شرکاء در مقابل طلبکاران شرکت نامحدود است، و اشخاص ثالث در موقع معامله با شرکت بیشتر بر اعتبار شخصی شرکاء نظر دارند تا به سرمایه شرکت، بنابراین این نوع از شرکت ها، جهت جلب اعتماد اشخاص ثالث مناسب است.<sup>۲</sup> به علاوه، در این نوع از شرکت ها، اصولاً شخصیت هر شریک برای سایر شرکاء نیز از اهمیت خاصی برخوردار است چنانکه، امکان انتقال سهم الشرکه و خروج از شرکت منوط به توافق شرکاء دیگر است.

در لایحه قانون تجارت ۱۳۸۴ به موجب ماده ۴۳۸، شرکت نسبی حذف و فقط شرکت تضامنی پیش بینی شده است، بنابراین در این لایحه تنها شرکت شخص، شرکت تضامنی می باشد.

### گفتار دوم: شرکت های سرمایه

در شرکت های سرمایه، بر خلاف شرکت های اشخاص، سرمایه حالت محوری دارد و شخصیت شرکاء از اهمیت چندانی برخوردار نیست. مسوولیت شرکاء، در مقابل اشخاص ثالث محدود به مبلغ اسمی سهام و یا آورده شرکاء به شرکت است و اشخاصی که به دنبال تضمین سرمایه شخصی خویش از تعرض بدهکاران شرکت هستند، این نوع از شرکت ها را بر دیگر انواع آن ترجیح می دهند.

شخصیت شرکاء همچنان که برای اشخاص ثالث مهم نیست برای سایر شرکاء هم از اهمیت زیادی برخوردار نیست. بنابراین هر یک از شرکاء شرکت اصولاً می توانند بدون نیاز به موافقت سایر شرکاء، از شرکت خارج شوند یا سهام یا سهم الشرکه خود را منتقل نمایند. لذا، در شرکت های سرمایه، سهامداران، پیوسته در حال تغییر هستند.<sup>۳</sup> این نوع شرکت ها، امکان جدا سازی اموال شخصی شرکاء از شرکت را فراهم می نماید، و در صورت ورشکستگی شرکت، اموال شخصی شرکاء را از مراجعه طلبکاران شرکت مصون نگه می دارد و از طرفی

<sup>۱</sup> - ربیعا، اسکینی، پیشین، ص ۷

<sup>۲</sup> - کورش، کاویانی، پیشین، ص ۲۰

<sup>۳</sup> - به شرکت های سهامی لقب شرکت بی نام داده اند (Anonyme)، زیرا شرکت به نام سرمایه است که متعلق به همه سهامداران است و می

توانند ناشناخته باشند. حسن، ستوده تهرانی، پیشین، ص ۱۳ و حسین، خزاعی، ج ۲، ص ۱۴

امکان سرمایه گذاری های بزرگ در قالب این شرکت ها وجود دارد. با عنایت به وجود چنین مزایایی، امروزه استقبال عمومی به تأسیس شرکت های سرمایه افزایش یافته است.<sup>۱</sup>

در حقوق ایران، شرکت های سهامی عام و خاص و شرکت با مسوولیت محدود در زمره شرکت های سرمایه محسوب می شوند. اگر چه انتقال سهم الشرکه در شرکت با مسوولیت محدود، منوط به موافقت اکثریت عددی دارندگان حداقل ۴/۳ سرمایه شرکت است، و بعضی از نویسندگان را در تقسیم بندی شرکت ها با تردید مواجه ساخته است، ولی با توجه به اینکه ملاک اصلی در تقسیم شرکت ها به سرمایه و اشخاص، محدود بودن مسوولیت شرکاء شرکت در مقابل طلبکاران شرکت است و قابل انتقال بودن یا نبودن سهم الشرکه نیز اصولاً نتیجه این شرط است و امکان پیش بینی انتقال آزاد سهم الشرکه در این نوع از شرکت ها به جهت تکمیلی بودن مقررات مربوط به انتقال سهم الشرکه، در اساسنامه وجود دارد و اکثریت حقوقدانان نیز این شرکت را در زمره شرکت های سرمایه قرار داده اند، پس تردیدی در شمول شرکت های سرمایه به شرکت با مسوولیت محدود وجود ندارد.<sup>۲</sup>

#### گفتار سوم: شرکت های مختلط

شرکت های مختلط جهت رفع نیازهای تجارتهی جامعه با ترکیب شرکت های سرمایه و اشخاص طراحی گردیده اند، این گروه از شرکت ها که به ندرت مورد استفاده قرار می گیرند، در حال حاضر در حقوق ایران از دو قسم بیشتر نیست:

شرکت های سهامی مختلط

شرکت های سهامی غیر مختلط

شرکت مختلط سهامی، از دو گروه شریک تشکیل شده اند؛ عده ای از شرکاء سهامی و یک یا چند نفر شریک ضامن؛ مسوولیت شرکاء سهامی در مقابل طلبکاران شرکت محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است، ولی شرکاء ضامن در مقابل کل بدهیهای شرکت، در صورت عدم تکافوی اموال شرکت مسوولیت دارند. اداره شرکت با شرکاء ضامن است و سهامدارن حق مداخله در اداره شرکت را ندارند.

شرکت مختلط غیر سهامی نیز ترکیبی است بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسوولیت محدود که بدون انتشار سهام تشکیل می شود. مقررات این نوع از شرکت نیز همان مقررات حاکم بر

<sup>۱</sup> - ربیعا، اسکینی، پیشین، ص ۷

<sup>۲</sup> - محمد علی، عبادی، حقوق تجارت، (انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ دوازدهم، زمستان ۸۵) ص ۱۴۳ و حسین، خزاعی، پیشین، ج ۱،

شرکت های تضامنی و شرکت با مسوولیت محدود است؛ به طوری که مسوولیت شریک با مسوولیت محدود، محدود به میزان سرمایه او در شرکت و شریک یا شرکاء ضامن مسوولیت کلیه قروض شرکت را بر عهده دارند، که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود. در این نوع از شرکت ها سرمایه به سهام تقسیم نمی شود.

در لایحه قانون تجارت ۱۳۸۴ به موجب ماده ۴۳۸ به جهت عدم استقبال از این نوع از شرکت ها و متروک شدن آنها، قالب شرکت های مختلط حذف گردیده است.

#### مبحث سوم: مصادیق شرکت های سرمایه

همچنان که گفته شد در حقوق ایران، شرکت های سهامی و با مسوولیت محدود از مصادیق شرکت های سرمایه محسوب می شوند که مورد بررسی قرار می گیرند.

#### گفتار نخست: شرکت های سهامی

شرکت های سهامی کامل ترین نوع شرکت های سرمایه است.<sup>۱</sup> شرکت های سهامی عام و خاص (عمومی و خصوصی) قبلاً در انگلستان معمول بوده است و مقررات مربوط به آنها در قانون شرکت های ۱۹۴۸ پیش بینی شده بود و در سالهای ۱۹۶۴، ۱۹۶۵ و ... اصلاحاتی در مقررات آنها صورت گرفته است. این نوع از شرکت ها از انگلستان وارد فرانسه، و از آنجا وارد حقوق ایران گردیده است.

ماده ۱ لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷، شرکت سهامی را چنین تعریف کرده است:

«شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسوولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنهاست.»

ماده ۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷ شرکت های سهامی را به «سهامی خاص» و «سهامی عام»

تقسیم و هر کدام از این دو نوع شرکت را چنین تعریف می نماید:

«شرکت هایی که موسسین آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تامین می کنند این گونه شرکت ها سهامی عام نامیده می شوند»

«شرکت هایی که تمام سرمایه آنها در موقع تأسیس منحصرأ توسط مؤسسین تأمین گردیده است. این گونه

شرکت ها سهامی خاص نامیده می شوند.»

<sup>۱</sup> - حسن، ستوده تهرانی، پیشین، ص ۱۳

<sup>۲</sup> - کریم، کیایی، پیشین، ص ۱۲۳

تفکیک شرکت سهامی به عام و خاص در قانون تجارت ۱۳۱۱ پیش بینی نشده بود، بلکه در ماده ۲۰ همان قانون به تبعیت از قانون فرانسه شرکت سهامی به سهامی (مطلق) و سهامی مختلط تقسیم می گردید.<sup>۱</sup> ولی در اصلاحات ۱۳۴۷ این تفکیک صورت گرفت.

بنابراین به موجب این ماده، عمده ترین وجه افتراق شرکت سهامی عام با شرکت سهامی خاص در استفاده از سرمایه های عموم برای جمع آوری سرمایه شرکت است که در شرکت سهامی خاص سرمایه آن در موقع تأسیس منحصراً توسط مؤسسين تأمین و مؤسسين مطابق قانون، حق ندارند سهام خود را برای پذیره نویسی یا فروش در بورس بهادار یا از طریق بانک ها عرضه نمایند و یا به انتشار آگهی یا هر نوع اقدام تبلیغاتی برای جمع آوری سرمایه و فروش سهام خود مبادرت نمایند، مگر اینکه از مقررات راجع به شرکت های سهامی عام مندرج در قانون پیروی نمایند.

به موجب ماده ۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷. تعداد شرکا در شرکت سهامی خاص نباید از سه نفر کمتر باشد، ویژگی بارز این شرکت ها آن است که صاحبان سرمایه ی آن، که سهامدار نامیده می شوند، دارای اوراق سهام هستند نه اینکه مانند شرکت های غیر سهامی، سهم الشرکه داشته باشند. در این نوع از شرکتهای، سرمایه به سهام مساوی تقسیم شده و هر شریک، مالک تعدادی از این سهام است، و علی الاصول انتقال این سهام آزاد بوده و واگذاری آنها به شخص دیگر، نیازمند موافقت هیچ یک از شرکاء یا مراجع شرکت نمی باشد.

آنچه در اوصاف شرکت سهامی خاص گذشت، در شرکت سهامی عام نیز صادق است، جز اینکه در این نوع از شرکت، سهامداران باید لااقل پنج نفر باشند و این موضوع از مفهوم ماده ۱۰۷ لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷. تجارت استنباط می شود. در این شرکت ها مؤسسان می توانند، برای تشکیل سرمایه شرکت، با انتشار اوراق پذیره نویسی، اشخاص ثالث را در تأمین سرمایه شرکت سهیم کنند، حداقل سرمایه ی شرکت نمی تواند از پنج میلیون ریال کمتر باشد،<sup>۲</sup> و در هر صورت مؤسسين، باید اقل ۲۰ درصد از سرمایه شرکت را خود تعهد کرده و لااقل سی و پنج درصد مبلغ تعهد شده را در حساب شرکت در شرف تأسیس واریز کنند.<sup>۳</sup> همچنین

---

<sup>۱</sup> - همان، ص ۱۲۳

<sup>۲</sup> - ماده ۵ لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷

<sup>۳</sup> - ماده ۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷